

## نگاهی بر کتاب تاریخچه خصوصی خانه

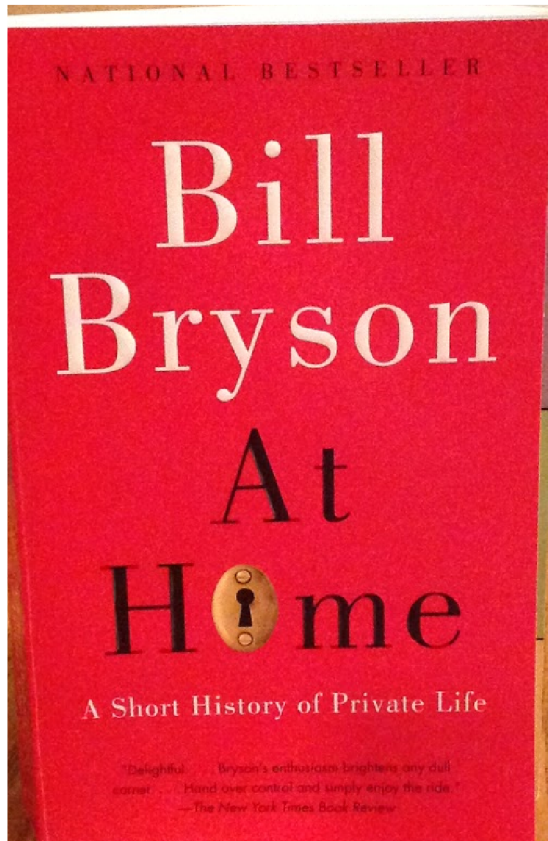
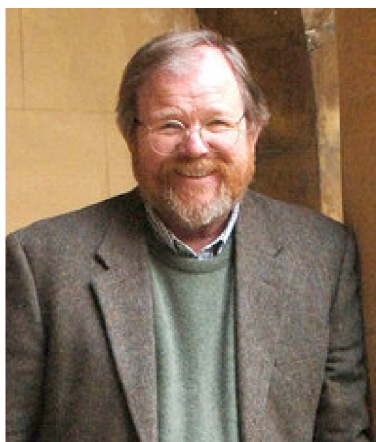
نویسنده: بیل برایسون

مترجم: علی ایثاری کسمایی

اگر انسان هستید، پس در خانه زندگی می‌کنید و اگر در خانه زندگی می‌کنید باید این کتاب را بخوانید.

### بهر روز آدینه

برایسون، یک نویسنده آمریکایی متولد ۱۹۵۱ است که به جهت پرفروش بودن اغلب کتاب‌هایش، با موضوعاتی مانند؛ تاریخ، زبان، سفر، علم و ... شهرت یافته است. در آمریکا متولد شده است. در ۲۳ سالگی در بریتانیا ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد. در سال ۲۰۰۳ با نوشتن کتاب «



تاریخچه تقریباً هر چیزی» شهرت بسیاری پیدا کرد و برنده دو جایزه معتبر کشور انگلستان شد. وی نوشتن کتاب را از سال ۱۹۸۵ آغاز نمود و تاکنون کتاب‌های بسیاری نوشته است. در سال ۲۰۱۰ کتاب «تاریخچه خصوصی خانه»، در سال ۲۰۱۱ کتاب «یک تابستان: آمریکا ۱۹۲۷» و در سال ۲۰۱۵ کتاب «جاده‌ای برای آهسته پیش رفتن» را به رشته تحریر در آورد.

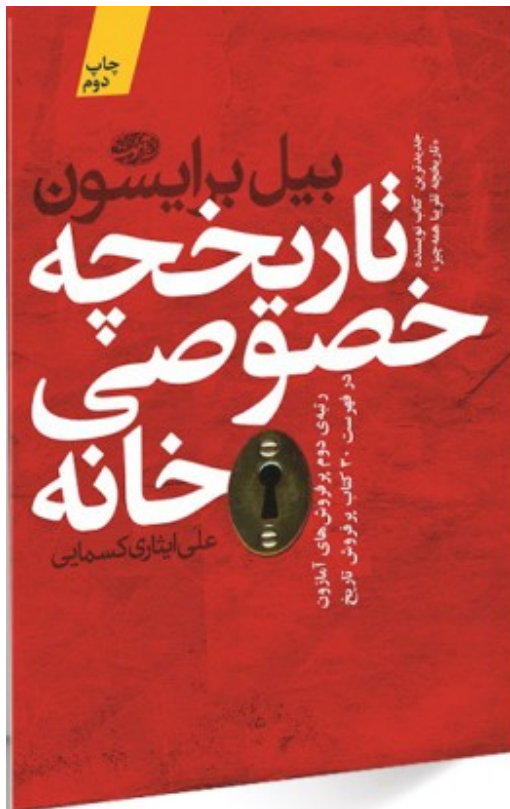
«یک روز بعدازظهر که در آشپزخانه نشسته بودم و با نمکدان و فلفل‌پاش ور می‌رفتم به نظرم رسید اصلاً نمی‌دانم چرا در میان همه ادویه‌های دنیا ما چنان دلبستگی دائمی به این دو داریم. چرا نه مثلاً فلفل و هل، یا نمک و دارچین؟ و چرا چنگال‌ها چهار شاخه دارند و سه یا پنج شاخه ندارند؟ باید دلیلی برای این کارها باشد...ص ۱۱»

همین پاراگراف که در مقدمه کتاب آمده است شاید بهترین توضیح برای موضوع کتاب باشد. اما نه تنها پاسخ به این سوالات را در کتاب می‌توان یافت، بلکه نحوه مدرنیزه شدن تمام اجزای خانه از آغاز تا اکنون را می‌توان در کتاب مشاهده کرد. البته این تاریخ بیشتر مربوط به انگلستان و گاهی آمریکا است. گرچه رگه‌هایی از تاریخ آسیا نیز در آن دیده می‌شود اما آنقدر کم گفته شده است که قابل ذکر نیستند.

کتاب در ۱۹ فصل ارائه شده است که هر بخش در واقع به بیان تاریخ و مدرنیزه شدن بخشی از خانه تعلق دارد. این که هر قسمت خانه چگونه تغییر پیدا کرده

است تا به آنچه که ما امروزه از آن به عنوان خانه استفاده کنیم و این که اصلاً چرا باید از خانه به عنوان خانه یاد کرد در جای جای کتاب به صورت زیبایی بیان شده است.

یکی از مهمترین ویژگی‌های کتاب، همان‌طور که در روزنامه‌های انگلیسی گفته شده است، حس شوخ‌طبعی نویسنده است (در حالی که ظاهراً تاریخچه زندگی خانگی را می‌خوانیم، اما برایسون نتوانسته است در مقابل حس شوخ‌طبعی خود مقاومت کند، کارول کادوالد-روزنامه گاردین. گاهی به نظر می‌رسد کتاب جک‌های بهتری دارد تا حس تاریخی داشته باشد، جودی فلندر-روزنامه تلگراف). این حس طنزگونه در تمام فصول کتاب به وفور پیداست و باعث می‌شود تا کتاب از آن حالت خشک تاریخی که تنها مربوط به اعداد و مرگ و میرها می‌شود، فاصله بگیرد. «مهمانان هم خدمتکاران خود را می‌آوردند به این دلیل در چنان مواقعی غیرعادی نبود که تعداد افراد حاضر در خانه‌ای به ۱۵۰ نفر برسد و در چنین شرایطی چه محشری به پا می‌شد خدا می‌داند. ص ۱۱۶»



این کتاب در ۵۳۶ صفحه در سال ۲۰۱۰ به زبان انگلیسی چاپ شده است و در سال ۱۳۹۰ توسط علی ایثاری کسمایی در ۵۲۵ صفحه ترجمه شده و نشر آموت آن را با نام «در جستجوی خوشبختی» چاپ کرد. اما در سال ۱۳۹۳ نام آن را به «تاریخچه خصوصی خانه» تغییر داد و چاپ سوم آن را منتشر نمود. با این حال نام اول هم بسیار به جا به نظر می آید، چرا که در تمام کتاب نویسنده بارها اشاره می کند که چرا این تغییر و تحولات در دنیا بوجود آمده است تا خانه، به همین خانه ای تبدیل شود که ما در آن به راحتی و آسایش زندگی کنیم. «بزرگترین طنز ممکن این خواهد بود که در جستجوی بی پایان خود برای پر کردن زندگی خویش با آسایش و شادی دنیایی ساخته باشیم که هیچکدام را نداشته باشد. ص ۵۲۵»

برایسون خود در مورد دلیل نوشتن این کتاب، می گوید: «آدم وقتی خود را در موقعیت نگاه کردن به دنیایی بیابد که آن را به خوبی می شناسد اما هرگز قبلا از چنین زاویه ای ندیده همیشه تکان دهنده است. ص ۸» و واقعا هم وقتی کتاب را بدست می گیریم و ورق می زنیم، کاملا وارد شدن شک بر بدن خود را حس می کنیم. وقتی می خوانیم، برای اینکه بتوانیم یک دستشویی راحت برویم، یک حمام راحت داشته باشیم، یک استراحت نیم روزی آرام داشته باشیم، چه اتفاقاتی در دنیا افتاده است و تمام آن اتفاقات چگونه به صورت زنجیروار دست به دست هم داده اند تا بسیاری از مسائل و مشکلات خانه حل شود، مطمئن دچار وحشت و آشفتگی خواهیم شد.

برایسون پس از ورود به خانه یک کشیش و بالا رفتن از نردبان پشت بام آن، متوجه دربی مخفی بر روی شیروانی می شود و پس از گشودن آن با خود می اندیشد که چه شگفتی در جهان وجود دارد و همه روزه ما از کنار این شگفتی ها به سادگی می گذریم بدون اینکه فکر کنیم چرا؟! و چگونه!؟

« به این دلیل فکر کردم ممکن است برای کتابی جالب باشد که برای یک بار هم شده به چیزهای عادی توجه و چنان برخورد کند که انگار آن ها هم مهم هستند. ص ۱۱»

و به راستی که به خوبی توانسته است تمام بخش های یک خانه را که امروزه برای ما بسیار پیش پا افتاده است و تنها به استفاده از آن ها عادت کرده ایم، مهم جلوه دهد.

در معرفی کتاب توسط دومنیک بروئینگ در روزنامه نیویورک تایمز، با این تیتیر « اگر دیوارها می توانستند حرف بزنند» آورده شده است: « برایسون مجذوب هر چیزی می شود و کنجکاوی او مسری است.» واقعا هم این کنجکاوی به خواننده منتقل می شود، در بسیاری از بخش های کتاب خود نویسنده هم از دلیل رخ داد اتفاقات متعجب می شود و خواننده را با این چالش مواجه می کند که واقعا چرا این اتفاقات در تمام دنیا از روم تا انگلستان و آمریکا افتاده است و در آخر ما در چنین خانه هایی زندگی می کنیم؟

در انتها باید گفت که ترجمه کتاب بسیار روان است و باعث می شود تا خواننده به راحتی با نویسنده و متن ارتباط برقرار کند و به قول روزنامه نیویورک تایمز این کتاب راحت و دوستانه است.